

مصائب فریدا

اسلاونکا دراکولیچ

مترجم

علیرضا دوراندیش

انتشارات
لوح دانش



مصائب فریدا

نویسنده: اسلاونکا دراکولیچ

مترجم: علیرضا دوراندیش

دبیر: امید آل آقا

ویراستار: طاهره خیراندیش

مدیر هنری: حامد سلطان نژاد

طراح جلد: سارا دهجی

نمونه خوان: نورا مرعشی

صفحه آرا: شهرام فرجی



برای دریافت اطلاعات کامل کتاب و نویسنده اسکن کنید.

سرشناسه: دراکولیچ، اسلاونکا، ۱۹۴۹ - م. Drakulić, Slavenka
عنوان و نام پدیدآور: مصائب فریدا / اسلاونکا دراکولیچ؛ مترجم
علیرضا دوراندیش؛ ویراستار طاهره خیراندیش.
مشخصات نشر: تهران: لوح دانش ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری، ۱۷۵ ص.

شابک: ۹ - ۰۹۲ - ۱۰۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

یادداشت: عنوان اصلی: © 2008. Frida's bed: A Novel

موضوع: کالو، فریدا، ۱۹۰۷-۱۹۵۴ م.

موضوع: Kahlo, Frida, 1907-1954

شناسه افزوده: دوراندیش، علیرضا، ۱۳۴۹ - مترجم

رده بندی کنگره: PG ۱۶۱۷/۲۶

رده بندی دیویی: ۸۹۱/۸۳۳۶

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۲۲۶۱۴۲

چاپ اول — ۱۴۰۲ — ۷۷۰ نسخه

شابک: ۹ - ۰۹۲ - ۱۰۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۱۳۰۰۰۰ تومان

انتشارات
لوح دانش



www.lohedanesh.ir

info@lohedanesh.ir

lohedaneshbooks

تهران، انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری غربی، پلاک ۱۲۲ و ۱۲۳

۶۶۹۷۳۵۸۱-۳ (۰۲۱)

۶۶۹۶۰۳۰۳

تلفن و فکس: ۶۶۴۰۳۵۱۲

کدپستی: ۱۳۱۴۶۸۳۷۳۷

گفتار مترجم

فریدا کالو در شش سالگی به فلج اطفال مبتلا شد و در هجده سالگی از یک تصادف مرگبار جان سالم به در برد؛ با یک ساق پا، ستون فقرات و لگن خردو خاکشیر اما همچنان مقاوم در برابر درد و مشکلات. هنگامی که دوران نقاهتش را در تختخواب سپری می‌کرد، تصمیم گرفت تا بی‌هیچ پیشینه‌ی تجربی یا آموزشی به نقاشی کشیدن بپردازد. نقاشی به او اجازه می‌داد تا از «تمرکز کردن روی بدنش رها شود». تاکنون سرگذشت‌نامه‌ها و فیلم‌های مختلفی از زندگی‌اش درآمده اما تفاوت «تختخواب فریدا» با بقیه‌ی این آثار این است که از زوایایی متفاوت و چه بسا چالش برانگیز به زندگی وی پرداخته.

یاراگراف‌های رمان از زاویه‌ی دید فریدا کالو و با بیان افکارش، به صورت پی‌درپی، به سوم شخص می‌روند و برمی‌گردند. ماجراهای رمان بارها به سراغ تابلوهای خاصی از فریدا می‌روند و ضمن توصیف ویژگی آن‌ها، از سرچشمه‌ی الهام‌شان می‌گویند. منبع اشارات دراکولیچ درباره‌ی زندگی فریدا به روشنی معلوم نیست. نویسنده به جای نظریه‌پردازی و نقد هنری، روایت خودش را روی تحلیل شخصیت و زندگی فریدا - از طریق بیان تک‌گویی‌های وی - متمرکز می‌کند. ماجراهای زندگی وی - اشتیاق شدیدش برای عشق، تجربیات مهلک و ویرانگرش، روابط غیرمعارف‌ش و مسائلی مانند این‌ها - در خدمت تأکید کردن روی تجربیات او هستند؛ تجربیاتی که بارها در نقاشی‌هایش تصویر شده‌اند و دراکولیچ به‌طور مستقیم و مشخص به برخی از آن‌ها اشاره می‌کند.

به گفته‌ی دراکولیچ، دلیل اینکه فریدا کالو، بارها و بارها، به کشیدن خودرنگاره

روی آورد، این بود تا ثابت کند که همچنان زنده است.

فریدا کالو یک نقاش برجسته است که آثارش عموماً بعد از مرگش مورد توجه قرار گرفتند. او تصمیمات مبهمی در زندگی‌اش گرفت. بارها، بارداری‌های ناقص و سقط جنین داشت و هیچ‌وقت بچه‌دار نشد. اما زاویه‌دید دراکولیچ از تمام چالش‌های دردناک فریدا، بینش‌ها و توصیفات بدیعی ارائه می‌دهد و درد جسمی و روحی را از نگاه متفاوتی می‌بیند. یک‌سوم آخر کتاب که به تأملات و تفکرات خوف‌انگیز فریدا درمورد مرگ می‌پردازد، به راه‌رفتن روی سرب داغ می‌ماند. دراکولیچ با زیبایی تمام، تنهایی و دل‌تنگی عمیق فریدا را تصویر می‌کند؛ تنهایی‌ای که تقلا می‌کرد تا از آن بگریزد یا آن را به منبع الهامش برای کشیدن نقاشی تبدیل کند.

در بند آخر شعر «گام‌ها» اثر فرانک اوهارا آمده: «آه، خداوندا، چه شگفت‌انگیز است / بلندشدن از تخت‌خواب / نوشیدن فنجان فنجان قهوه / کشیدن نخ‌نخ سیگار / و ...».

کالو هم سیگار می‌کشید و هم قهوه می‌نوشید اما به‌ندرت می‌توانست که هروقت مایل بود، از تخت‌خوابش بزند بیرون و روابط عاشقانه‌اش، مشخصاً دو بار ازدواجش با دیگو ریویرای دیوارنگار که «مائسترو» می‌نامیدش، بیشتر برایش ترس و هراس و ملال به ارمغان آوردند تا لذت و خوشی.

خواننده به فراخور تجربیات زیستی و خوانشی خودش، می‌تواند به دیدگاه‌های متنوعی درباره‌ی این رمان برسد؛ برای نمونه، می‌توان به این موارد اشاره کرد: نقاش می‌تواند مثل نویسنده‌ی رمان، تجربه‌ی زیستی خودش را در اثرش نشان دهد. نقاشی برای فریدا، جنبه‌ی درمانی داشت و تقلایی برای زنده‌ماندن بود. دراکولیچ در بسیاری از پاراگراف‌های این متن، دست به تحلیل‌های شخصی از زندگی فریدا می‌زند؛ تحلیل‌هایی که بسیار دقیق و انسانی و بر یک منطق محکم استوارند. رمان به یک جستار بلند می‌ماند و فصل‌بندی و عنوان‌گذاری ندارد. زن بودن فریدا در یک فرهنگ به‌شدت مردسالار و چالش‌های پیش رویش قابل تأمل‌اند. این یک سرگذشت‌نامه‌ی صرف نیست که نویسنده از «الف» تا «پای»

آن را نوشته باشد؛ بلکه با داشتن اطلاعاتی از زندگی فریدا، بخش‌هایی را که اهمیت و ارزش گفتن داشته‌اند، برجسته کرده و چه بسا که در خیلی جاها، آن‌ها را با نگاه خودش درآمیخته و حتی از دریچه‌ی نگاهی امروزمین دیده است. تقلاهای یک زن برای نگه‌داشتن مرد خودش به هر قیمتی، تقلاهای یک فریدا و یک هنرمند و یک نقاش. زن بودن، زن بودن به مفهوم طبیعی و غریزی، زن بودن در جایگاه یک هنرمند، علیل و مریض و چلاق شدن، هنرمند شدن، همسر یک هنرمند شدن و رویکردش به شهرت و عشق و... چنین پرداخت ریا و ماهرانه‌ای به زندگی یک هنرمند، از طریق روایتگری کمیاب است.

دو نکته‌ی مهم «تختخواب فریدا» را از دیگر آثار درباره‌ی زندگی وی متمایز می‌کنند: نخست، ابزار روایت‌مندانگی رفت و برگشت‌های تصادفی از راوی سوم‌شخص به راوی اول‌شخص است، البته ممکن است این ویژگی برای برخی مخاطبان ملال‌آور و خسته‌کننده به نظر آید اما تردیدی نیست که این شیوه در این رمان - که دراکولیچ با تردستی موفق به انجامش شده - یک امتیاز به حساب می‌آید. در رمان «تختخواب فریدا»، اسلاونکا دراکولیچ راوی را به حاشیه می‌برد درحالی‌که از طریق پرداختن به نقاشی‌های فریدا کالو، همچنان با روایت نوعی ارتباط مهارشده هم دارد. دوم، توصیف دقیق و موشکافانه‌ی برخی آثار فریدا از دریچه‌ی رویدادهای زندگی و افکار و احساسات وی است و اشاراتی که خواننده را وسوسه می‌کند تا - اگر امکانش را دارد با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت - برود به سراغ تابلوی مورد اشاره و تعبیر دراکولیچ را بکاود. ناگفته نماند که این بخش از رمان، به‌خصوص برای نقاشان جوان، درس‌آموز است، ضمن اینکه وسوسه و البته مجالی برای تفسیر و تعبیر مجدد آثار فریدا، با عنایت به توصیفات دراکولیچ فراهم می‌آورد.

هرچند این رمان را بدون داشتن هرگونه اطلاعات قبلی از زندگی فریدا می‌توان خواند اما اگر فرصت و حوصله‌ای برای خواننده دست دهد که پیشاپیش از زندگی واقعی فریدا اطلاعاتی کسب کند، برای درک دقیق برخی اشارات تعیین‌کننده‌ی رمان بسیار کارساز خواهند بود.